

در فصل دوم از بخش اول شرایطی ترسیم شده که در آن موعظه‌های مجلس را می‌توان درک نمود. جامعه‌ای که از درون آن این موعظ سر برمی‌آوردند اقلیتی کوچکی است درون اقلیتی در شهر کتیرالمذهب و مدرن حیدرآباد. شیعیان حیدرآباد تنها درصد اندکی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و در عین حال، از تأثیرگذاری بالایی برخوردارند. افزون بر این، آنها از الگویی پیچیده و بسیار ساختارمند از مناسک دینی برخوردارند که حتی مناسک گسترده‌تر جامعه بزرگتر مسلمانان را نیز دربرمی‌گیرد. جامعه‌ای که خود شامل مناسک و شاعران خاص شیعی نیز می‌شود. مهمترین این مناسک و شاعران همانگونه که پیش‌تر نیز اشاره شد مجلس است. در مجلس زمانی که به وعظ اختصاص می‌یابد و تقدیس و احترامی که به وعظ گذاشته می‌شود نشانگر اهمیت محوری اینگونه محافل سوگواری در جامعه است. فصل حاضر افزون بر نشان دادن عملکرد وسیع و مکرر مجلس حیدرآباد، تنوع این مجالس و تعدد و تنوع وعظ و روضه‌خوان را نیز مورد بررسی قرار داده است. دلیل تنوع در اجرا و عملکرد این مجالس آن است که اینگونه گردهماییها در طیف مختلفی از زمان و با حضور کامل جامعه شیعی برگزار می‌گردد. اما برغم اینکه هر وعظ و روضه‌خوانی رویکرد و تأکید خاصی در پیشه خود دارد، در خود جامعه بر وعظ و حرفه‌هایی که می‌زند نوعی نظارت حکمفرماست. بطور کلی در

نظر گرفتن شرایط تاریخی و شرایط کنونی وعظ در مجلس به هنگام خواندن متن یک روضه یا وعظ ضروری می‌نماید.

در بخش دوم کتاب ذیل عنوان موعظ ترجمه یا موعظه (روضه) آورده شده است. این موعظ در فاصله سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۰ و توسط وعظ مختلف حیدرآباد ایراد شده است. پس از اولین وعظ که در توصیف یک مجلس کامل آمده است، هر وعظ دارای یک عنوان، مقدمه و شرح (حاشیه) است. عنوان بیانگر نام وعظ است و پس از آن موضوع وعظ می‌آید. زمان و مکان هر وعظ نیز به همراه پارامترهای جزئیات تا حد امکان ارائه شده است. اطلاعات بیان شده در مقدمه‌ها از مشاهدات شخصی و مصاحبه مؤلف با خود وعظ جمع‌آوری شده است. مؤلف محترم متن وعظ را به چندین پاراگراف تقسیم کرده و در حد امکان از حواشی و شروع اضافی کاسته است. معیار و ملاک اصلی هوارت در گزینش این ده موعظه آن بوده که این موعظ باید با هم نمونه‌ای از موعظه معاصر در مجلس حیدرآباد باشند.

بخش سوم (واپسین بخش) به تحلیل موعظ بخش ۲ اختصاص دارد. نحوه ارتباط این موعظ، زبان این موعظ، کارکرد اجتماعی و اعتقادی آنها و ... از جمله مسائلی است که نویسنده در این بخش به آنها پرداخته است.

مصطفی ملکیان در مراسم شب عاشورا:

جامعه نیازمند عشق ناخودگرایانه است

بیرون می‌آید. وی دیگر پارادکس‌های معنوی را فرزانیگی ابلهان و ضعف‌های قوت برشمرد و سپس گفت: «خشونت عشق» نیز یکی از همین خشونت‌هاست. وی ادامه داد: فرق خشونت نفرت با خشونت عشق در این است که خشونت عشق تنها متوجه خود عاشق است و نه دیگران. مثلاً در زندگی بزرگان دینی وقتی به زندگی حضرت علی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ایشان جقدر نسبت به طبع خود تازیانه می‌زند و خود را از نعمت‌های دنیا محروم می‌کند و این به آن دلیل عشقی است که ایشان به دیگران دارد. به عنوان نمونه ایشان در نامه‌ای که خشونت عشق در آن موج می‌زند، به یکی از امیران خود که در مجلس عیش و نوشی شرکت کرده بود می‌نویسد: اگر می‌خواستیم می‌توانستیم هیچ غذایی نخوریم مگر آنکه از گندم باشد و هیچ نوشیدنی نپاشام مگر آنکه از عسل باشد اما نخوردم چون احتمال می‌دهم در حجاز کسانی باشند که گرسنه باشند و سیری را به یاد ندارند. این استاد دانشگاه همچنین افزود: خشونت عشق نسبت به خود موجب می‌شود که اندک اندک انسان با فداکاری و خود را ندیدن به جامعه‌ای با نشاط برسد و این در واقع اجر این نوع زندگی دشوار همراه با خشونت عشق است. گاهی انسان حاضر می‌شود که برای بهروزی انسان‌های دیگر از کل جسم خود بگذرد و شهادت اوج خشونت عشق است. تبدیل خشونت عشق به خشونت نفرت متأسفانه پدیده‌ای رایج است. پیام همه بنیانگذاران ادیان این است که ما آمده‌ایم که خود را در خدمت شما بگذاریم نه اینکه شما را در خدمت خویش بگیریم.

ملکیان در پایان سخنرانی خود گفت: شهادت به این معنا آرزوی کسی است که شهادت را وظیفه خود نمی‌داند بلکه آرزوی کسی است که احساس می‌کند دیگر وقت آن است که به شهادت برسد. این استاد دانشگاه، در عین حال در مراسم افتتاحیه مجمع عمومی سازمان دانش‌آموختگان ایران اسلامی (ادوار تحکیم وحدت) نیز سخنرانی کرد و ملزومات حرکت اصلاح‌گری در لایه‌های سیاسی و فرهنگی جامعه ایران را مورد بررسی قرار داد. وی یکی از ملزومات اصلاح‌گری را عمل به قاعده زرین اخلاقی بیان کرد که در ادیان مختلف به شکلی خاص بیان شده است. ملکیان گفت: «بر اساس این قاعده، با دیگران باید چنان رفتار کنی که خوش داری دیگران با تو رفتار کنند. با قبول این اصل، این نکته مهم می‌شود که هرکس خود را تافته جدابافته تلقی نکند و اصلاح‌گر باید بداند که همه کندی‌ها، تندی‌ها و درد و رنج‌های دیگران در او نیز وجود دارد.»

برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

www.Advarnews.Com

www.Roozna.Com

مصطفی ملکیان - استاد دانشگاه - یکی از افرادی بود که در مراسم شب عاشورا در حسینیه ارشاد به ایراد سخنرانی پرداخت. این مراسم از سوی انجمن‌های اسلامی دانشجویان دانشگاه‌های شهر تهران و سازمان ادوار تحکیم برگزار می‌شد عنوان این سخنرانی نیز، «خشونت عشق» بود. وی در آغاز سخنرانی خود گفت: به دو جهت ترجیح دادم که موضوع این سخنرانی را خشونت عشق برگزینم اولاً به آن دلیل که به گمان بنده شهادت اوج قله خشونت عشق است و علت دوم آنکه در دنیای کنونی خشونت عشق جای خود را به خشونت نفرت داده است و ما به درجات مختلف قربانیان خشونت نفرتیم. وی در ادامه هدف خود از ایراد این سخنرانی را چنین بیان نمود: می‌خواهم نشان بدهم که در همه شهیدان نوعی تجلی خشونت عشق موج می‌زند. در باب اینکه در چه زمان‌هایی انسان‌ها بهتر خواهند بود و جوامع نشاط بیشتری خواهند داشت دیدگاه‌های متعددی وجود دارد و وجه مشترک همه این تفکرات این بود که چگونه می‌توان زندگی فردی و جمعی پناشاطر و بهتری داشت. کسانی گمان کرده‌اند که به صرف دین‌داری می‌توان این چنین جامعه‌ای ایجاد کرد. گروهی هم اشاعه مردم‌سالاری را تنها راه سعادت دانستند و عدل‌های هم وجود یک سازمان اقتصادی جهانی که به همه جهان در توزیع امکانات مادی و رفاهی به یک چشم نگاه کند را شیوای برای دستیابی به جامعه بهتر می‌دانستند و البته دیدگاه‌های دیگری هم وجود دارد.

ملکیان افزود: ادعای من این است که یگانه راه برای اینکه فرد و جامعه بهتر و مطلوب‌تری داشته باشیم این است که یک نوع عشق ناخودگرایانه و در عین حال فعالانه در افراد جامعه وجود داشته باشد. این راه یگانه راه و در عین حال دشوارترین راه است، سایر مسیرها می‌توانند شرط لازم باشد اما شرط کافی نیستند. وی همچنین افزود: این عشق ناخودگرایانه که باید در جامعه وجود داشته باشد یعنی اینکه همه چیز را برای خود نخواستن و در این عشق انسان بایستی بیشتر معطوف به بیرون از خود باشد. فعالانه هم یعنی این که برای ارضای خود حرکت نمی‌کند و برای این که ارضا شود فرد دست به کارهای بیرونی می‌زند که همراه با امدادهایی به انسان‌های دیگر است. به هر حال این عشق که پروردش در آدمی بسیار دشوار است، البته فداکاری می‌طلبد، شکی نیست که اگر انسان به سایر انسان‌ها به غایت نگاه کند و آنها را وسیله نپندارد این کمک کردن بیرونی نیازمند فداکاری‌هایی است و فرد چاره‌ای جز این ندارد که تا حد وسیعی از ثروت، قدرت و جاه و مقام و حیثیت اجتماعی خود صرف نظر کند. ملکیان با برشمردن چند پاراداکس معنوی گفت: مهمترین این تناقض‌ها پاراداکس صلح با شمشیر است، انسان معنوی در جایی از زندگی به این نقطه می‌رسد که صلح با شمشیر ممکن است. پاراداکس بعدی زندگی با مرگ است، یعنی زندگی از دل مرگ

